



اخلاق، اهرم تعامل و مدیریت خانواده تلقی می شود

یک استاد دانشگاه گفت: اخلاق به عنوان اهرم تعامل و مدیریت در خانواده تلقی می گردد و فاصله میان فردیت هر فرد و جمع بودن خانواده را با دمیدن بایدها و نبایدها، کم می کند.

یک استاد دانشگاه گفت: اخلاق به عنوان اهرم تعامل و مدیریت در خانواده تلقی می گردد و فاصله میان فردیت هر فرد و جمع بودن خانواده را با دمیدن بایدها و نبایدها، کم می کند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-مینا علیزاده: امروزه با هجوم فرهنگ غربی و همین طور کم رنگ شدن هویت دینی و اسلامی برخی از مردم، آسیبهای فراوانی برای خانواده ها خصوصا خانواده های مدرن به وجود آمده است. برخی از خانواده های سنتی تقریباً هنوز دچار این معضل نشده اند. می توان روشها و راه های مختلفی را برای برون رفت از این وضعیت در نظر گرفت. در گفتگو با راحله ابراهیمی، کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی و مدرس دانشگاه به بررسی این راه حل پرداختیم که اکنون متن آن پیش روی شماست؛

*در مکتب اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین الهی و نسخه ای وحیانی برای سعادت بشر در طول قرنهای آینده، خانواده دارای چه جایگاهی است؟

خانواده همواره نمادی از امنیت برای افراد بوده است و افراد بر حسب آموزه هایی که از خانواده خود دریافت کرده اند پا در عرصه های مختلفی همچون تعلیم و تعلم، تشکیل محیط جدید خانوادگی، اشتغال و... می گذارند و در واقع خانواده اولین مرتبه از مراتب مختلف زندگانی هر فردی است که در آن موجودیت جمعی را در کنار موجودیت فردی خود، درک می کند. بنابراین می توان گفت، خانواده یکی از ارکان مولد ارزشها در هر جامعه ای می باشد.

این مهم یعنی توجه به خانواده به عنوان کانون امنیت و ارزش ها از دیدگاه هیچ دین الهی مغفول واقع نشده و همواره در آیات و یا روایت رسیده از پیامبران شواهدی بر این نکته وجود دارد. از جمله نوح نبی(ع) پس از ساختن کشتی به دستور خدا، از هر حیوان یا گیاهی جفتی را برگزید، از خدا اجازه همراهی خانواده و پسر خود را می خواهد که با او سوار بر کشتی شود. یا موسی کلیم الله(ع) زمانی که در میقات قرار گرفت و از دور روشنایی مشاهده کرد، به خانواده خود گفت همین جا بمانید و به تنهایی سمت روشنایی رفت و این نکته در کنار هزاران نکته ای که می توان دریافت از این آیه، حفظ و مراقبت از خانواده نیز محرز می گردد.

اسلام نیز به عنوان دین برتر از این مهم غافل نبوده است و تقویت بعد جمعی را در کنار موجودیت فردی مورد تاکید قرار داده است. یکی از تجلیات بعد جمعی، خانواده است. اسلام به خانواده با عنوان تسکین و محل آرامش می نگرد و در فرازهایی از آیات و احادیث بر تبشیر و انداز بر مراقبت از خانواده و حفظ کيان خانواده تاکید می کند.

*امروزه خانواده ها چه در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دارای مشکلات و معضلات زیادی هستند. به نظر شما تا چه حد عبور از این مشکلات به اخلاق وابسته است. دوام خانواده تا چه حد به اخلاق وابسته است؟

اخلاق علم بایدها و نبایدهاست. در این علم بحث می شود چه چیزی خوب و نیکو است و چه چیزی بد و ناشایست است. اخلاق در خانواده به عنوان محفلی که دو یا چند نفر در آن در حال تعامل و هم زیستی اند نقشی بارز را ایفاگر است و در واقع اخلاق به عنوان اهرم تعامل و مدیریت در خانواده تلقی می گردد و فاصله میان فردیت هر فرد و جمع بودن خانواده را با دمیدن بایدها و نبایدها، کم می کند و در صورت تداوم می تواند «من» را به «ما» مبدل سازد و و این تبدیل شدن من به ما، نه به معنای از میان رفتن تفاوت هاست بلکه به معنای پذیرش تفاوتها و در عین حال برقراری تعامل هاست.

*نحوه تعامل زن و مرد به عنوان ستون اصلی خانواده، چون فرزندان هم از آنها به شدت می آموزند و در زندگی آتی خود و هم در زندگی فعلی خود به شدت به آنها متکی هستند؛ در خانواده باید چگونه باشد؟

یکی از تعبیری که اسلام درباره نحوه تعامل مرد و زن استفاده می کند، «لباس» است و می آورد که شما(مردها) لباس هستید برای زن ها و شما(زنها) لباس هستید برای مردها. می توان ویژگی هایی برای لباس برشمرد. از جمله زیبایی، پوشانندگی عیوب، حفاظت از گرما و سرما و یا شخصیت بخشی و حفاظت حریم و... .

گویا این آیه به هر مردی و زنی که در هم زیستی به سر می بردند، گوشزد می کند که نحوه تعاملتان را همچون لباس و یا «لباس وار» کنید؛ موجب زینت هم شوید، اما چطور؟ با رفتار خود و پوشاندگی عیوب. یکدیگر را در سخت و آسان، گرم و سرد زندگی همراه باشید و با این پوشاندگی به حفظ عزت و تعالی هم در نزد خود و دیگران، بکوشید و می بینم که با پی گرفتن این طریق، خروجی آن چیزی جز «لتسکونوا الیها» نخواهد بود.

*نحوه برخورد والدین با فرزندان و فرزندان با والدین طبق دستورات قرآن و سیره و روایات اهل بیت(ع) باید چگونه باشد؟

والدین بر فرزندان خود حقی دارند و فرزندان نیز بر والدین خود، حقی را دارند. اینکه فرزندان چگونه باید با والدین خود رفتار کنند را قرآن به صراحت مطرح ساخته و مقام آنرا با آوردن احسان به والدین پس از طرح پرستش خدا، بالا می آورد. به بیان بهتر باید گفت در چندین آیه خداوند پس از طرح پرستش خود به عنوان معبود واحد، سخن از احترام و احسان به والدین می آورد و همین بس ما را که بدانیم چه منزلتی دارد نیکی و چگونگی رفتار با والدین در نزد خداوند. می آورد که با آنان به خوبی رفتار کنید و پس از آنکه والدین پا در پیروی نهاده، که به آنها کوچکترین حرف لغو که ناشی از بی حرمتی باشد (اف) مگویید. و یا در احادیثی آورده شده که نگاه به چهره والدین عبادت است و چه بسیار افرادی که به واسطه نیکی به والدین و جلب رضایت خاطر آنان، به سعادت دنیا و آخرت دست یافته اند.

در صحیفه سجاده، حضرت زین العابدین(ع) باب بیست و چهارم را اختصاص به دعا در حق والدین داده است. در آنجا پس از حمد خداوند و مدح پیامبر(ص)، به دعا در حق والدین می پردازد و حق والدین را بر فرزند واجب و مقدمتر می داند و یاد می کند از دورانی که والدین در سختیها فرزند را پرورش می دهد و عمرشان در این راه پیر کرده اند و از فرزند خود نگهداری کرده اند و از خداوند می خواهد که پدر و مادرش را در زمره کسانی قرار دهد که مشمول رحمت خداوند قرار گرفته اند. از خدا می خواهد که او را در زمره کسانی قرار دهد که آرزو و خشنودی والدینش را بر خود ترجیح می دهند و می گویند: خدایا مرا از کسانی قرار ده که بسیار شمارم احسان والدینم را اگر اندک باشد و اندک شمارم نیکی خود را اگر زیاد باشد.

در ادامه همین باب، از حقوق فرزندان می گوید که اگر والدین حقی را از فرزند ضایع کرده اند و در حق فرزند خود کوتاهی کرده اند و دچار افراط و تفریط شده اند، بهتر آن است که فرزندان از آن در گذراند و از خداوند می خواهد بار مجازات را از دوش والدین خود بردارد و ادمه می دهد که مرا از جمله فرزندان قرار بده که نام والدین خود را نیکو می دارند و والدین خود را خوار نمی دانند.

ایشان به دعا کردن و خیر خواستن توسط والدین در حق فرزندان تاکید می کند. از این فراز می توان دریافت که برای والدین و فرزندان حقوقی متقابل وجود دارد که این حقوق درباره والدین شدیدتر و مقدم تر است. ایشان والدین را در این دعا، بر خیرخواهی و دعا در حق فرزندان بشارت می دهد و فرزندان را به نیکی و خدمت به والدین ترغیب می دارند. چه نیکو است که هر فردی به خود بیاموزد و آموخته هایش را متذکر گردد که خانواده محفل گرما و آرام گرفتن است و تقویت روحیه جمعی موجبات پیشرفت فردی و خانوادگی را فراهم می آورد و افرادی که از امروز به موفقیت هایی چند دست یافته اند، اشاره به تاریخ خانواده خود دارند.

* امروزه توصیه های اخلاقی به مردم سفارش می شود که به خدا متصل نیست یعنی خوب بودن و راستگو بودن و را بدون زمینه های دینی تبلیغ می کند. نتیجه این اخلاقها چه خواهد بود؟

سؤال بسیار خوبی را مطرح کردید، چرا که امروزه مبتلابه جامعه و از اغلب افراد شنیده می شود. پیش فرض این سؤال، تفکیک دین از اخلاق و یا عقل از دین و این قبیل تمایزات نارواست در حالی که نسبت دین به اخلاق و عقل، از نسب اربعه، نسبت عموم و خصوص مطلق است. عموم و خصوص مطلق یعنی دایره دین چگونه ای است که مشمول هم اخلاق و امور اخلاقی است و هم شامل عقل و عوارض تعقل است و اساسا همه این امور، یک امر واحد اند که در هر مرتبه ای واقع می گردند. امروزه به طرق مختلف به اذهان افراد متبادر می گردد که امور اخلاقی و یا حتی عقل معیشتی ربطی به دین و دینداری ندارد در حالی که همه این امور بخشی از دین می باشند نه اموری مجزا و منفک از دین.

قرآن در آیات خود مکررا آورده است که: در زمین و در خودتان سیر کنید ببینید که او حق می باشد و دیگران را دریافتن حق و دین و حدود آن فرا می خواند بی آنکه ابایی از این موضوع داشته باشد. بنابراین گزاره هایی چون راستگویی و یا خوب بودن و... همگی در زمره دین وزری قرار دارند چرا اسلام دین اخلاق خاصه اخلاق رحمانی است و پیامبر(ص) رسولی است که این مهم را متحقق ساخته است و این بشارت را آزادانه به گوش مخلوقات زمزمه کرده است.